

حکمت و فلسفه غیبت امام عصر(عج)

از برخی روایات استفاده می‌شود که غیبت امام مهدی (ع)، امتحانی الهی است که خداوند به وسیله آن، مؤمنان راستین و ثابت قدم را از مدعیان دروغین و مسلمانان سست عنصر تمییز می‌دهد.



از برخی روایات استفاده می‌شود که غیبت امام مهدی (ع)، امتحانی الهی است که خداوند به وسیله آن، مؤمنان راستین و ثابت قدم را از مدعیان دروغین و مسلمانان سست عنصر تمییز می‌دهد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر برشی از کتاب «معرفت امام زمان» اثر ابراهیم شفیع‌ی سروستانی است که در ادامه می‌خوانید؛

در روایات معصومین (ع) و سخنان دانش‌رسان و بزرگان شیعه از موضوع‌های مختلفی به عنوان حکمت، فلسفه یا علت غیبت امام عصر (ع) یاد شده است که در اینجا به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

بیشتر اموری که در روایات از آنها به عنوان علت یا سبب غیبت، یاد شده است؛ بیان‌کننده فواید، آثار و نتایج غیبت هستند، نه علت به معنای اصطلاحی آن؛ که وجود آن موجب وجود معلول و عدم آن موجب عدم معلول می‌شود. بنابراین، با وجود برطرف شدن برخی یا حتی همه این علت‌ها نیز استمرار غیبت قابل تصور خواهد بود. از همین روست که در برخی روایات آمده است که غیبت، رازی از رازهای خداست و این راز تا زمان ظهور ناگشوده خواهد ماند.

آیت‌الله صافی گلپایگانی، از صاحب‌نظران حوزه مهدویت در این زمینه چنین می‌نویسد: آنچه بگوئیم راجع به اسرار غیبت، بیشتر مربوط به فواید و آثار آن است و الا علت اصلی آن بر ما مجهول است و این است معنای احادیث شریفه؛ ای که در آنها تصریح شده به اینکه سرّ غیبت آشکار نشود مگر بعد از ظهور. [۱]

الف) حفظ جان آخرین امام

بر اساس برخی روایات می‌توان گفت حکمت و فلسفه غیبت، در امان داشتن آخرین حجت حق از کید و مکر دشمنان است. شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین و تمام‌النعمه، روایات متعددی در این زمینه نقل کرده است که از آن جمله می‌توان به این روایت اشاره کرد که وقتی راوی از امام صادق (ع) در مورد علت غیبت امام عصر (ع) می‌پرسد، آن حضرت می‌فرماید: «يَخَافُ عَلَى تَفْسِيهِ الدِّيْحُ؛ او از قربانی شدن خویش هراس دارد.» [۲] نعمانی نیز در کتابش، چندین روایت را با همین مضمون درباره علت غیبت امام عصر نقل می‌کند. [۳]

اگر بپذیریم که علت یا فلسفه غیبت امام مهدی (ع) بیم آن حضرت از کشته شدن بوده است، این پرسش مطرح می‌شود که مگر دیگر امامان نیز در معرض خطر کشته شدن به دست طاغوت‌های زمان خود نبودند، پس چرا آنها غیبت و نهان‌زینی را پیشه خود نساختند؟

در پاسخ این پرسش، دو نکته را یادآور می‌شویم: نخست اینکه دیگر امامان شیعه معمولاً در برابر طاغوت‌های زمان خود، طریق تقیه و مدارا در پیش می‌گرفتند و تا آنجا که ممکن بود از مخالفت صریح با آنها پرهیز می‌کردند. به همین دلیل، خلفای ستم‌رسان پیشه کمتر بهانه‌رسان می‌شدند؛ ای برای تعرض به آنها پیدا می‌کردند، ولی سیره و روش امام مهدی (ع) بنا بر آنچه در روایات تصریح شده، کاملاً متفاوت است و آن حضرت مأمور به قیام مسلحانه در برابر ظالمان و گردن‌کشان است. دشمنان اهل بیت نیز به خوبی بر این نکته واقف بودند. [۴] بدیهی است با این سیره و روش، دشمنان هرگز وجود ایشان را تحمل نخواهند کرد و در پی نابودی آن حضرت برخوانند آمد.

دیگر اینکه امام مهدی (ع) بر اساس آنچه در روایات معصومین (ع) آمده است، آخرین حجت و ذخیره الهی است و اگر خدای ناکرده آن حضرت کشته شود، جای‌گزینی برای ایشان وجود نخواهد داشت. بر خلاف دیگر امامان که هرگاه یکی از آنها به شهادت می‌رسید، در اندک زمانی، امامی دیگر جای‌گزین او می‌شد. [۵]

ب) برعهده نداشتن بیعت ظالمان

در برخی روایات آمده است که آن حضرت به این دلیل در غیبت به سر می برد که می خواهد هنگام ظهور، برخلاف اجداد خویش، بیعت حاکمان جور را بر گردن نداشته باشد. در روایتی که شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از امام رضا (ع) نقل می کند، آن حضرت در پاسخ این پرسش که چرا امام مهدی (ع) از دیده شیعیانش پنهان می شود؟ می فرماید: «لَيْتَلَا يَكُونُ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ يَالسَّيْفِ؛ برای اینکه در هنگام ظهور و قیام به شمشیر، بیعت و عهد و پیمان کسی را بر گردن خویش نداشته باشد». [۶]

در توقیعی نیز که از ناحیه مقدسه صادر شده، به این موضوع اشاره شده است و حضرت می فرماید: إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ يَأْخُذُ مِنْ آبَائِي (ع) إِلَّا وَ قَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغِيَةِ زَمَانِهِ وَ إِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَ لَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيَةِ فِي عُنُقِي.... [۷] هرکدام از اجداد من بیعت یکی از سرکشان عصر را بر گردن داشتند، ولی من در زمانی که قیام خویش را آغاز می کنم، بیعت هیچ کدام از حاکمان سرکش را بر عهده ندارم.

ج) اجرای سنت های پیامبران پیشین

شیخ صدوق (ره) در باب «علة الغيبة» از کتاب کمال الدین و تمام النعمة روایتی را نقل کرده است که از آن استفاده می شود، خداوند از این روایت را بر امام عصر (ع) رقم زده که می خواسته است سنت های پیامبران پیشین را در مورد آخرین حجت خود جاری سازد. در این روایت سدید از امام صادق (ع) چنین نقل می کند: إِنَّ لِقَائِي مِنَّا غَيْبَةٌ يَطُولُ أَمَدُهَا. فَقُلْتُ لَهُ (ع) يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ (ع) لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَبَى إِلَّا أَنْ تَجْرَى فِيهِ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ (ع) فِي غَيْبَاتِهِمْ وَ إِنَّهُ لَا يُدْرِكُ لَهْ بِأَسَدِيرٍ مِنْ إِسْتِيفَاءِ مَدَدِ غَيْبَاتِهِمْ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (ع) «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ». [۸] أَيْ سُنَنَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ. [۹]

همانا قائم ما [اهل بیت (ع)] غیبتی دارد که مدت آن به درازا می کشد. پرسیدم: ای پسر رسول خدا! علت آن چیست؟ فرمود: برای اینکه خدای عز و جل حتماً می خواهد که سنت های پیامبران پیشین در زمینه غیبت های آنها، در مورد قائم هم جاری شود. ای سدید! او گریزی از کامل کردن مدت زمان های غیبت آنها ندارد. خدای تعالی می فرماید: «قطعا از حالی به حالی برخوردار خواهید نشست».

بر اساس این روایت می توان گفت چون یکی از سنت های رایج در میان انبیای پیشین غیبت بوده است، امام مهدی (ع) نیز باید غایب شوند تا اراده الهی مبنی بر جریان سنت های پیامبران پیشین در وجود آن حضرت، محقق شود.

گفتنی است بسیاری از انبیای الهی در زمان خود غیبت یا غیبت هایی داشته اند؛ مانند آن جمله می توان به حضرت ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی، شعیب، الیاس، سلیمان، دانیال، لوط، عزیز و عیسی (ع) اشاره کرد. [۱۰]

د) امتحان مردم

از برخی روایات استفاده می شود که غیبت امام مهدی (ع)، امتحانی الهی است که خداوند به وسیله آن، مؤمنان راستین و ثابت قدم را از مدعیان دروغین و مسلمانان سست عنصر تمیز می دهد. از جمله این روایات، روایتی است که از امام موسی کاظم (ع) نقل شده و در آن آمده است: إِذَا فُقِدَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ قَالَتِ اللَّهُ قَالَتِ اللَّهُ فِي أَدْيَانِكُمْ لَا يُزِيلَنَّكُمْ أَحَدٌ عَنْهَا، يَا بَنِيَّ! إِنَّهُ لَا يُدْرِكُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ، إِذَا هِيَ مِحْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِمْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ.... [۱۱]

چون پنجمین امام از فرزندان امام هفتمین غایب شود، الله الله در دینتان؛ مراقب باشید کسی آن را از شما زایل نسازد. ای فرزندان من! به ناچار صاحب این امر غیبتی دارد تا آنجا که معتقدان به این امر از آن باز گردند. این محنتی است که خدای تعالی خلقش را به واسطه آن بیازماید....

در روایتی که از امام علی (ع) نقل شده، در این زمینه چنین آمده است: أَمَا وَاللَّهِ لَأُقْتَلَنَّ أَنَا وَ آبَائِي هَذَانِ وَ لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُطَالِبُ يَدْمَائِنَا وَ لَيَغَيِّبَنَّ عَنْهُمْ تَمَيِّزًا لِأَهْلِ الصَّلَاةِ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ (ع) مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ حَاجَةٍ. [۱۲]

به خدا سوگند، من و این دو فرزندم (حسن و حسین) کشته خواهیم شد و خداوند در آخرالزمان، مردی از فرزندانم را به خون خواهی ما برمی انگیزد و او مدتی غایب خواهد شد تا گمراهان جدا گردند [این غیبت به درازا می کشد] تا

جایی که افراد نادان می گویند: خداوند دیگر به آل محمد نیازی ندارد.
پی نوشت:

[۱]. لطف‌الله صافی گلپایگانی، نوید امن و امان: پیرامون شخصیت، زندگانی، غیبت و ظهور حضرت ولی‌المعصر (ع)، چاپ اول: قم، حضرت معصومه (س)، ۱۳۷۵، صص ۱۶۶ و ۱۶۷.

[۲]. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۲، ص ۴۸۱، ح ۱۰.

[۳]. کتاب الغیبة (نعمانی)، صص ۱۷۶ و ۱۷۷.

[۴]. ر. ک: اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۷۰، ح ۶۸۵؛ تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، صص ۱۲۳ و ۱۲۵.

[۵]. ر. ک: کتاب الغیبة شیخ طوسی، صص ۹۲ و ۹۳.

[۶]. کمال الدین و تمام النعمة، باب ۴۴، ص ۴۸۰، ح ۴.

[۷]. همان، ص ۴۸۵، ح ۴.

[۸]. سوره انشقاق (۸۴)، آیه ۱۹.

[۹]. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۴، صص ۴۸۰ و ۴۸۱، ح ۶.

[۱۰]. ر. ک: همان، ج ۱، باب ۱، صص ۱۲۷ و ۱۵۹.

[۱۱]. همان، باب ۳۴، صص ۳۵۹ و ۳۶۰، ح ۱.

[۱۲]. کتاب الغیبة (نعمانی)، ص ۱۴۱، باب ۱۰، ح ۱.